

### درباب قتل

بیست و هفتم ماه مذکور خبر رسید دختری در قریه قلندر محله بدون شوهر حمل از ملازم خانه گرفته بود، پدرش مخبر گردیده نصف شب دختر خود را تفنگ زده فوت شده.

### درباب چپاول

بیست و نهم ماه جون سی سوار طایفه جعفر بائی زیر حد قریه الننگ بسخو نموده يك نفر را اسیر کرده بردند.

### درباب اسیرها

به عرض رفته بود طایفه جعفر بائی چهار نفر محمد آبادی را اسیر کرده به توسط تراکمه آتابائی هشتاد تومان وجه برای سوارها فرستاده چهار نفر اسیر را رها نمودند.

### درباب رشیدالسلطان

شب دویم ماه جولای رئیس تلگرافخانه به ساعدلشکر راپرت داده رشیدالسلطان از سبزووار حرکت کرده به مزینان وارد شد. اهالی شاهرود تماماً در خوف و رجاء می باشند. دهات اطراف کلیه از ترس ترك زندگانی کرده به شاهرود آمده سالار مکرم حاکم شاهرود دوفرسخی سنگری بسته برای ورود رشیدالسلطان محافظت می نمایند. در جعفر بائی همهمه زیادی برای ورود محمدعلی میرزا می باشد. ملازمان قونسولگری منتشر کرده اند صدوقخانه باچند باب چادر از طرف محمدعلی شاه به گموش تپه وارد نموده اند.

## نمره ۱۴۵

۱۳ ماه جولای ۱۹۱۱

### درباب رشیدالسلطان

چهارم ماه جولای خبر رسید رشیدالسلطان از شاهرود گذشته وارد بدهه ملامی شود. شش نفر سوارهای رشیدالسلطان به اتفاق محمدعلی نام ده ملامی برای گرفتن آذوقه به قلعه می روند. میرزا هادی خان فندرسکی باسی سوار استرآبادی در آق قلعه بوده از آمدن محمدعلی نام مخبر گردیده او را احضار نمودند. محمدعلی نمی رود، چندتیر تفنگ به او زده فوت شد. برادر محمدعلی با چهار پنج نفر سوار رشید را دستگیر کرده معظم الیه دوشب در ده ملا توقف کرده از راه چهارده کلاته به فیروزکوه رفتند.

### درباب قتل

ایضاً يك نفر شاهکوهی زنی از استرآباد سوار کرده به شاهکوه می برده. به چهار

باغ رسیده با تفنگ دهن پر می‌خواهد نشانه بزند. کلاه خود را به آن زن داده نشانه‌نماید. در این بین تفنگ خالی شده مشاراتیها به زمین خورده فوت شد.

### درباب قتل

هفتم ماه مذکور خبر رسید تراکمه جعفربائی بین خودشان نزاع می‌شود. طایفه نورعی به لجاجت طایفه یارعلی به قریه له‌له‌دوین دوفرسخی مغربی آمده سه نفر را به قتل رسانیده يك نفر ترکمان تیرافتاده و يك نفر را سربریده سر آن را به صحرا بردند.

### درباب قتل

به عرض رفته بود صمصام مسیحی يك نفر شاهکوهی را به قتل رسانیده، قونسول روس به اتفاق کارگزار به قریه یساقی رفته اجناس زندگانی ماتوروس مسیحی را به شهر آورده حراج نمایند از بابت سهمی صمصام که ارث پدرش بوده، صد تومان برای خوبهای شاهکوهی دادند.

### درباب قتل

نهم ماه جولای به ساعدلشکر خبر دادند در قریه مهتر کلاته سه فرسخی مغربی شخصی عیال خود را بایک نفر اجنبی در خانه خود دیده او را به قتل می‌رساند. عیالش فرار کرده دو نفر مأمور برای گرفتن قاتل به قریه مزبور رفته قاتل فرار کرده، سه پیر مرد آن قریه را آورده قرار است قاتل را دستگیر نمایند.

## نمره ۱۴۱

### ۲ ماه جولای

### درباب اسیر

چهاردهم ماه جولای دو نفر زن ساکن کرد محله بایک نفر مرد به سمت کرد محله می‌رفتند، يك فرسخی مغربی دسوار جعفربائی بسخو داشته دو نفر زن را اسیر کرده بردند.

### درباب کتول

اعضای انجمن اهالی کتول را محرك شده به ضدیت آقاخان مفاخر الملک. به قرب صد نفر کتولی به شهر آمده اظهار داشتند مفاخر الملک را به حکومت کتول نمی‌خواهیم. اعضای انجمن به مشورت یکدیگر سوارهای کتول را به حیدرخان واگذار کرده کلانتری را به ملک محمد حسین که از ملازمان مفاخر الملک بوده دادند.

### در باب قتل

ایضاً خبر رسید چهار نفر ترکمان داز به کتول رفته بودند. اهالی مذکور این چهار نفر را به قتل رسانیده، طایفه داز ازدحام کرده تقاص نمایند. تاجه شود.

### ورود محمدعلی شاه

شب هفدهم ماه جولای معاضدالملک سرحددار بندر تلگرافاً به ساعدلشکر راپرت داده محمدعلی شاه مقارن غروب وارد گموش تپه گردیده است. ساعدلشکر با اعضای انجمن متوحش شده سرباز و پولیسها را تا صبح اطراف شهر فرستاده کشیک می کشیدند. روز هیجدهم دو نفر ترکمان از گموش تپه به شهر آمدند یک پاکت برای ساعدلشکر داشته و یک پاکت برای حاجی سیدظاهر که حسب الامر احوال پرسی از حاجی سیدظاهر و سفارش به ساعد لشکر برای انتظام امور که همین دوروزه مقدمه اردو به شهر آمده بعد موکب همایونی خواهند [آمد]. بلافاصله قونسول روس از زیارت به شهر آمده آدم به منزل ساعد لشکر فرستاده خبر داد محمدعلی شاه با هفت نفر اجزاء به گموش وارد شده است. هر آینه شماها همراهی و مساعدت بخواهید قونسولگری در این باب همراه است. در جواب پاکت تمام تجار و کسبه و علمایان را در منزل ساعدلشکر احضار کرده مشورت کردند. جواب داده پادشاه برای ما لازم است، متفرق گردیده مقارن غروب به سمت قونسلخانه رفته متحصن شوند. ملازمان قونسولگری ایشان را راهنماده برگشتند. ایضاً ده نفر سوار به سمت ایلات قجق و گوکلان رفته سوار خبر نمایند. دو عدد لتکا به مازندران برای حرکت سوار و آمدن خوانین مازندران فرستاده. روز نوزدهم چند نفر ترکمان جعفر بانی به شهر آمده تلگرافات زیادی به تلگرافخانه برده نوید الممالک رئیس تلگراف از ترس تمام اسباب زندگانی خود را در قونسولگری برده و خودش شبها در آنجا می رود. به قرب صد نفر از تجار و کسبه مشروطه خواه از ترس به قونسلخانه پناهنده شدند. برخی از مشروطه ها به حاجی سیدظاهر تسلیم گردیده. روز بیستم ماه جولای پانصد نفر متجاوز از محله میدان و سرچشمه به مساعدت آقا میرزا مهدی پسر حاجی سیدظاهر مجتهد و شیخ محمد باقر و ساعد لشکر و چند نفر خوانین جزو خدمت محمدعلی شاه رفتند. از قرار مذکور انعقاد اردو در یکده مازو می شود و همین دوروزه موکب همایونی در منزل حاجی یک لک ترکمان که اول خاک اتابائی باشد وارد خواهد شد. تاجه شود.

نمره ۱۴۲

۲۷ ماه جولای ۱۹۱۱

ورود شاه به شهر

بیست و یکم ماه جولای محمدعلی شاه با سوار تراکمه از گموش تپه حرکت کرده،

يك شب در انجلی توقف [کرده] روز بیست و دویم وارد به قریه محمدآباد يك فرسخی شمالی گردیده، سردار ارشد باشاع السلطنه و صدسوار یموت دوساعت به غروب به شهر وارد شدند. صبح بیست و سیم محمدعلی شاه باقضات جعفر بائی و متجاوز از هزار سوار یموت از محمدآباد حرکت کرده از دروازه بسطام به دیوانخانه وارد گردیده، سیزده تیر توپ شلیک شد. روز قبل قرار بود اردورا در محمدآباد منعقد نمایند، صلاح ندانسته اردورا در جنوبی شهر پشت بدنه انداختند. صدنفر قزاق از تراکمه جعفر بائی گرفته مواجب روزی پنج هزار، سوار متفرقه هرچه برسد سان داده روزی چهارقران جیره می دهند. سیورسات از تمام بلوک حواله نموده جار کشیدند که عفو عمومی داده شد. سوار ترکمان هم متدرجاً از تمام ایلات وارد می شوند. سیصدسوار یموت را روزی شش هزار دینار جیره داده کربلائی خضرخان سالار اشرف را حکومت شاهرود نموده با سیصدسوار حرکت کرده رفتند. از قرار مذکور محمدباقرخان سالاراکرم را احضار کرده اند که حکومت استرآباد را به او بدهند. سیصدسوار ترکمان زمان رفتن به شاهرود برای نعلبندی اسبها تراع کرده دونفر زخم دار شدند.

#### درباب متحصنین

محمدعلی شاه به توسط کارگزار پیغام به قونسول روس داده اشخاصی که متحصن شده اند عفو عمومی داده ام، در صورتیکه آنچه تفنگ بافشنگ از ذخیره دولت برده اند پس بدهند. حسب الامر تمام تجار که متحصن بوده روز بیست و پنجم جولای مقارن غروب حضور شاه رفته مهربانی زیادی به آنها فرموده مرخص شدند.

#### درباب تفنگ

ایضاً کمیسیون به ریاست شعاع السلطنه در کلاه فرنگی دایر شده. حسن خان هژبر السلطان رئیس ذخیره که سابق رئیس ذخیره بود از روی ثبت و قبوض حکم شده است تمام تفنگها را از رعیت و غیره جمع آوری کرده تسلیم نمایند.

#### درباب قتل

ایضاً دونفر تبعه روس مشغول خریدن قالی بودند. در طایفه ایلفی بایک نفر که مریض بود تراع می کند. يك مشت بر ترکمان [زده] فوت شد. ترکمانها دونفر تبعه روس را خدمت شاه آورده امر به حبس نمودند

#### درباب شیخ حمزه

حسب الامر چند سرباز مأمور گردیده دوساعته هزار و هشتصد تومان وجه از بابت مالیات اوزینه از شیخ حمزه بگیرند. انواع واقسام اذیت به مشارالیه کرده، آخر الامر زن و بچه شیخ به منزل مفاخر الملك آه و ناله زیادی کرده توسط کردند چهل تومان وجه از

مشارالیه گرفته به موجب صد خروار نوشته معافی که سابق دستخط صادر کرده بودند اغماض شد.

### درباب سوار

مقرر شد سوار مازندرانی به جای خود حاضر باشند، و محمدعلی شاه با سوار یموت از راه مازندران بروند. شعاع السلطنه چندی برای انتظام امور استرآباد بمانند. بیست و هفتم ماه جولای امر فرمودند پانصد سوار یموت اسبهارا نعل کرده به سرداری سردار ارشد به شاهرود رفته به سمت طهران بروند.

### ورود علی اکبر خان ایلخانی

ایضاً معظم‌الیه با پانصد سوار قجق و ایکدر و قان یخمزورامیانی وارد به شهر گردیده، تفنگ زیادی شلیک نموده حضور شاه. لاکن ترکمانها توی شهر و بیرون بدنه آدم را چاپیده تمام مردم از کثرت تعدی سوار که به قرب سه هزار و پانصد نفر عده آنها می باشد به هیجان آمده بازارها را بستند. آنچه از طرف شاه قدغن می شود گوش نمی کنند. تا چه شود.

نمره ۱۴۳

۳ ماه اگست

درباب پول

حسب الامر شعاع السلطنه د [ه] هزار تومان پول از کردمحلله و اتران از بابت مالیات مساعده گرفتند.

درباب اردو

به قرب هزار سوار جعفر بائی و قضا و پنجاه سوار ایلغی کلیه طایفه شرف باسه عراده توپ کوهستانی و آنچه تفنگ در ذخیره و به دست دهاتی و مردم شهر بوده تماماً به اردوی شاه حمل کردند. فشنگ تفریط شده را تیری سه شاهی غرامت می گرفتند. اردو را از چارچنار دو فرسخی مغربی حرکت داده یک شب در کردمحلله توقف [کرده] به ملاحظه خونی بودن اهالی کردمحلله و طایفه جعفر بائی محمد علی میرزا از تفنگچی کردمحلله چشم پوشانیده به حاجی محمد حسین رئیس مهربانی فرموده به جز رفتند.

درباب شاهرود

سالار اشرف حاکم شاهرود با سیصد سوار یموت به شاهرود رسیده رئیس نظمیه آنجا

را گرفته حبس [کرده] و خانه او را ترکمانها چاپیده به سبب پس گرفتن اسب رئیس مزبور را از تراکمه بیست نفر طایفه قرقچی قهر کرده مراجعت نمودند.

### درباب لقب

مهدی خان ساعد لشکر ملقب به ساعد السلطنه و نایب الحکومه است. علی اکبر خان پسر ایلخانی امیر عشایر، آقاخان پسر علی خان کتولی سالار معزز، میرزاهادی سررشته دار معاون لشکر، رئیس نظمیه کافی الملک، از نوید الممالک رئیس تلگرافخانه باطناً رنجش داشته. روز ورود صورت مخابرات را روزی یک مرتبه شعاع السلطنه در تلگرافخانه ملاحظه می کرد. زمان رفتن اسب نوید [الممالک] را هم با خود بردند.

### درباب حرکت شعاع السلطنه

این چندروزه که نواب معظم وارد شهر شدند تمام امورات ولایینی و رسیدگی اردو بایشان بود. ساعتی آسوده نبودند تا روز پنجم شعبان. پول اعانه راهم که به اسم قرض از مردم به قوه مأمور گرفته بودند چهار هزار تومان باقی بود از ساعد السلطنه قبض عندالمطالبه گرفته، حاجی شیخ حسین را احضار و تغییر زیادی [کرده] تبعیدش فرمود. سردار ارشد را باشهدسوار یا زیاده و چند عراده توپ، و شش [ ] و یک عراده کوهستانی به شاهرود روانه نمود. سواریموت در حرکت روزی شش هزار جیرد دارند. محمد باقر خان سالار اکرم را به ریاست اردوی شاه همراه گرفته سه ساعت به غروب قونسول روس خدمت شعاع السلطنه رفته دو ساعت به غروب حرکت نمود. سالار با امیر عشایر و سالار معزز به اردوی شاه رفتند. بین راه امیر عشایر را مرخص نموده هفتم شعبان به فندرسک رفتند که سوار گوکلان را با بقیه سوار قجق و قان یخمز گرفته با پسر قلیچ ایشان به شاهرود رفته با سردار ارشد طهران بروند. تا چه اقتضا کند.

### درباب اردو

دویم اگست اردواز اتزان حرکت کرده وارد اشرف [شد]. خوانین اتزان تماماً حضور محمد علی میرزا آمدند.

### درباب اسیر

مولام ترکمان ایلغی در اردو با محمدخان ترکمان نزاع کرده قهر می کند، مراجعت کرده دونفر اهل شهر را نیم فرسخی شمالی اسیر کرده و دونفر از قریه علی آباد گرفته به صحرا رفتند.

## نمره ۱۴۴

۴ سپتمبر ۲۱۵

## درباب چپاول

چندسوار قرقچی از شاهرود آمده بودند، لجاجت با سالار اشرف یک نفر آدم با سیصد و پنجاه رأس گاو از قریه سلطان آباد چپاول کرده بردند.

## درباب چپاول

زمانی که نظر خان سالار اشرف با سیصدسوار یموت به حکومت شاهرود می رود امر نمود عدلیه و نظمی و خانه رئیس پستخانه و دونفر یزدی ۲۱۴ را به عنوان بایی بودن چاپیده ترکمانهای اتابائی به قریه صد هزار تومان از ملبوس و طلای ساخته و غیره به استرآباد آوردند.

## درباب مسعودالملک

قبل از ورود سردار ارشد به دامغان مسعودالملک از سمنان حرکت کرده، پانصد سوار، دویست نفر سرباز دامغانی و دو عراده توپ در جنب دروازه دامغان اردو منعقد و سنگربندی می نمایند. ورود سردار ارشد ترکمانها اطراف اردو را گرفته چند تیر تفنگ رد و بدل شد. مسعودالملک امر کرده یک تیر توپ خالی نموده و فرار کرد. سربازها پناه به امامزاده آورده سردار ارشد تمام اردو را ضبط [کرده]، ترکمانها آنچه تفنگ و اجناس چپاول کرده از راه جهان نما به استرآباد آورده مجدداً مراجعت به اردو نمودند. لکن در شهر دامغان خرابی فوق العاده کرده اند. تاجه شود.

## درباب تلگراف

هفتم ماه اگست شعاع السلطنه تلگرافی به ساعد السلطنه نمود، به سبب یاغی گری مسعودالملک تمام املاک او را ضبط نماید.

## درباب قلیچ ایشان

دوازدهم ماه مذکور امیر عشایر به اتفاق قلیچ ایشان و دویست سوار حاجی لری و رامیانی و سیصد نفر گوکلانی و قجق و هشتاد پیاده گوکلان از شاهرود برای سمنان حرکت نمودند. ورود به دامغان قریه گر متعلق به امیر اعظم را ترکمانها چاپیده به قریه صد قبضه تفنگ سه تیره و اجناس و فشنگ از منزل نواب معظم بردند.

۲۱۵- در متن خبرها ماه اگست آمده است و آن درست است.

۲۱۴- نقطه های آن کامل نیست، چنین خوانده شد که تناسب داشت.

### درباب ایلجاری

حسب الامر محمد علی میرزا پانصد و پنجاه نفر پیاده از بلوکات استرآباد ایلجاری خبر کرده به کمک اردو بروند. دوسه هزار تومان از بلوکات وجه نقد گرفته و سیصد نفر ایلجاری جبراً به مازندران فرستادند. ناعلاج بعضی رفته و برخی فرار کردند.

### درباب چپاول

چهاردهم ماه اگست چهار نفر مکاری جو [و] گندم حمل کردند. طایفه اتابائی نیم فرسخی مغربی ایشان را چاپیده، چهار رأس مال به انضمام بارها بردند.

### درباب سعدآباد

ایضاً پانزدهم ماه مذکور قران خان پسر حاجی آخوند صدسوار اتابائی را سان داده از راه جهان نما حرکت کرده شب را در قریه سعدآباد توقف [کردند]. اهالی قریه در این فصل در جهان نما بیلاق رفته بودند. ترکمانها شبانه تمام خاندهای سعدآبای را چاپیده و هزار تومان اموال متجاوز به غارت بردند.

### درباب چپاول

ایضاً تراکمه اتابائی مراجعت از راه شاهرود هیجده رأس مال مکاری را از قزلق چپاول کرده بردند.

### درباب پول اعانه

به اسم گرفتن پول اعانه تاکنون به قریب سی هزار تومان از شهر و بلوکات زیاده از مردم گرفته اند. تاجه شود.

## نمره ۱۴۵

۱۱ سپتمبر

### درباب چپاول

هیجدهم اگست سه نفر مکاری از جلین به شهر می آمدند. سوار طایفه اتابائی مقارن غروب جنب بدنه شهر سه نفر مکاری را با پسر حاجی علی اکبر شهری لخت کرده، چهار مال، پنجاه تومان وجه نقد به غارت بردند.

ایضاً

ایضاً تراکمه اتابائی سی رأس گاو از سیاه تلو یک فرسخی مشرقی چپاول کرده بردند.



### درباب قتل

بیست و یکم ماه مذکور خبر رسید طایفه داز به قریه... ۲۱۶ آباد ملک سه فرسخی مشرقی رفته يك نفر جوانی را کشتند.

### درباب سرقت

ایضاً خبر رسید طایفه داز سه رأس مال از میر محله سه فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

### درباب خالصه

زمان حرکت شعاع السلطنه میرزا جعفر منشی قونسولگری مجدداً دودانگ ونیم کرد محله و لیوان وهشتیکه و نوکنده را اجاره نموده کرد محله را به میرزا شریف برادرش واگذار [کرده و] اتران را به محمدعلی خان سرهنگ امانیه داده، بقید مالیات را جمع نمایند.

### درباب جعفر بائی

حاجی یحیی ترکمان جعفر بائی آدمی نزد ساعد السلطنه فرستاده اهالی حیدرآباد بی سبب آدم مارا گرو نمودند. مأموری به قریه حیدرآباد رفته ترکمان حبسی را رها می نماید.

### درباب اعضای انجمن

زمان حرکت محمدعلی میرزا از مازندران مشروطه ها برضد دولتیان اظهارات معترضه [کرده] و مردم دهات را برای شرارت محرك می باشند. تاجه شود.

### درباب ایلجاری

اوایل قرار بود پانصد و پنجاه نفر ایلجاری به اردو بفرستند. دویست نفر معاف نموده سیصد نفر را جمع آوری نمایند. در صورتیکه پنج هزار تومان از بلوک سدن رستاق واسترآباد رستاق از مردم پول گرفته و ایلجاری را باشلاق روانه به مازندران کرده، تماماً برگشتند.

### درباب قتل تراکمه

به تحریک انجمنیها هفت نفر اهالی شهر به گرمابدشت چهار فرسخی مشرقی رفته بسخو نمودند. چند نفر ترکمان داز از شاهرود مراجعت می کردند تفنگ زده سه نفر مقتول، يك نفر ترکمان بایک نفر غلام... ۲۱۷ تیر گرفته، تفنگ و اسبهای تراکمه را به غارت بردند. خبر به ساعد السلطنه رسیده امر کرده هفت نفر مرتکبین را گرفتند، بعضی از اسباب و اسبهای تراکمه را از ایشان گرفته رها نمودند. تاجه شود.

۲۱۶- نام قریه درست خوانده نمی شود شبیه قلی آباد است.

۲۱۷- يك کلمه ناخوانا.

### درباب قتل

بیست و هفتم اگست خبر رسید سه نفر ترکمان جعفر بائی از سمنان مراجعت کرده به جهان‌نما می‌آیند. سعدآبادیها در این فصل به جهان‌نما ساکنند. از ترکمانها پذیرائی کرده به عنوان بلدیت راه همراه ترکمانها می‌روند. بین گدوک هفت نفر ترکمان را تیرزده دونفر فرار کردند. مقتولین را الخت [کرده]، تفنگ و البسه آنها را گرفته نعشها را مفقود نمودند. دونفر فراری بعد از سه روز صحرا رفته پیغام برای ساعدالسلطنه فرستاده چند سوار به امر نایب‌الایاله به جهان‌نما رفته مرتکبین را دستگیر نمایند. سعدآبادیها نامربوط زیادی به نایب‌الحکومه داده مأمورین را بیرون کردند. تاجه شود.

### درباب اردو

سالخ ماه اگست سالار معزز سلامتی خود را از رینه لاریجان بدزئیس تلگرافخانه تلگراف نموده است.

### درباب سردار ارشد

معظم‌الید با امیر عشایر از ده نمک به ساعدالسلطنه تلگراف نموده بودند جنگی اتفاق افتاد، هفت ساعت نزاع شد، اردوی طرف را متفرق و پنج عراده توپ گرفته، از مافقط يك اسب سقط شد.

### درباب سعدآبادی

شب دویم سپتمبر تراکمه جعفر بائی به قریه سعدآباد رفته صدوسی خانه را آتش زده و هزار تومان اموال مردم سوخت.

### درباب تراکمه ایلی

محمدعلی میرزا زمان حرکت از استرآباد تراکمه ایلی را صدیق دانسته چند نفر انتخاب کرده قراول مخصوص بودند. به خاک لاریجان وارد شده. مشان ترکمان دوسه شب به عنوان دزدی بدهات رفته چهار هزار تومان وجه نقد سرقت کرده فراراً به استرآباد می‌آید. مقدمه را به عرض محمدعلی میرزا رسانیدند، تلگرافاً به کموسر روس امر کرده مشان ترکمان را در گنبد قابوس برده وجه مزبور را با سه قبضه تفنگ سه تیره مطالبه می‌نمایند.

## نمره ۱۴۶

۱۱ سپتمبر

## درباب اردوی شاه

پنجم ماه سپتمبر خبر رسید اردوی محمدعلی میرزا دوشقه گردیده، از طرف فیروز کوه و راه نور [و] کجور ۲۱۸ به هر دو عده شکست وارد آوردند. محمدحسین خان میرپنج توپخانه را با توپ و قورخانه دستگیر نمودند. امیر مکرم هم در نور [و] کجور شکست خورده فراراً بار فروش آمده در منزل اگنط قونسولگری پناه برده مطالب را تماماً به قونسول روس تلگراف نمودند.

## درباب چپاول

هفتم ماه مذکور دونفر ترکمان چاروا باشر به شهر آمده قدری اسباب خریداری کرده مراجعت می نمایند. یک فرسخی شمالی چند نفر پیاده آنها را لخت کرده پنجاه تومان وجه باجزئی اسباب چاپیده بردند. ترکمانها مراجعت به قونسول روس عارض شده از نایب الایاله بازخواست کرده، کدخدای دهات اطراف را حاضر نمودند، تحقیقات لازمه را نمودند، سارق معلوم نیست. قونسول وجد مزبور را از خود به ترکمانها داده رفتند. از قرار مذکور غرامت مال را از اهالی محمدآباد مطالبه دارند.

## درباب سردار ارشد

دهم سپتمبر صدنفر ترکمان اتابائی باحالت تباہ و مالهای لاغر از راه زیارت بد شهر آمده، بیرون دروازه تماماً از بی حالتی افتاده قوه حرکت از خودشان و مالهای ایشان نمانده اظهار داشتند در نه فرسخی طهران [بر] یک عده سوار بختیاری غلبه کرده بودیم. سردار ارشد فرمان داده که اطراف را محاصره داشته باشیم. دوروز یک عده سوار بختیاری در محاصره بودند که غفلتاً سوار زیادی بر سر ماها ریخته نفهمیدیم چه طور فرار کردیم. هر یک اسب خالی را سوار شده آمدیم. اسب سردار ارشد را طهماسبقلی خان کفشگیری سوار شده فرار کرد. مشارالیه پیاده مانده معلوم نشد به قتل رسید یا به خانه فرار کرد. تلگرافی از شاهرود سالار اشرف از شاهرودند ۲۱۹. قلیچ ایشان با امیر عشایر و سایر خوانین اشرار به سلامتی وارد دامغان شده، روز یازدهم وارد شاهرود می شوند.

## درباب رفتن سر راه

یازدهم سپتمبر از دهات سدن رستاق صدنفر متجاوز به سمت زیارت می روند. ترکمانها

۲۱۸- اصل: کوجور.

۲۱۹- کذا، عبارت مضوش است. ظاهراً می خواهد بگوید که آن اشخاص در شاهرودند.

رفته و راه قزلق راهم بسخو نمودند.

## نمره ۱۴۷۵

۱۸ سپتمبر ۱۹۱۱

### درباب سردار ارشد

زمانی که شکست می‌خورند غلام‌خان ترکمان قجق سردار ارشد را ترك خود سوار می‌کند. اسب غلام‌خان تیر گرفته هردو را به قتل رسانیدند. سوار ترکمان بدون نزاع دست و پای خود را گم کرده هر کسی به خیال فرار از امامزاده جعفر چهارروزه خود را به زیارت خواسته رود رسانیده که تمام اسبهای ترکمانها را زیارت افتادند. اهالی شهر و دهات برای الجه رفته بودند. پانزده نفر ترکمان را به قتل رسانیده اسب و تفنگ آنها را به غارت بردند. لکن سه نفر از طایفه اتابائی در اردو مقتول، سه نفر رامیانی و دو نفر حاجی لری با چهار نفر استرآبادی که اجزاء علی‌اکبرخان فندرسکی بودند مفقود شده و برنگشتند و غلام‌خان رئیس طایفه قجق با برادرش مقتول [شد]. امیر عشاير بامیرزاهادی‌خان و قلیچ‌ایشان و سیصدسوار وارد شاهرود، از راه زرین گل به فندرسک رفتند.

### درباب محمدعلی میرزا

اردوی مازندران دومی رتبه شکست می‌خورد. فرار کردن امیرمکرم و متحصنین در خانه اگنط روس در بار فروش باعث خیال محمدعلی میرزا گردیده با سیصدسوار جعفر بائی فرار کرده به قرا تپه می‌رود. شخصاً باشاع السلطنه و سه نفر از قضات لتکا نشسته به گموش تپه وارد می‌شود. یازدهم سپتمبر رضاخان پیشخدمت مقارن غروب بایک نفر ترکمان منزل ساعدلشکر آمده تفصیل اردو را به خط خودشان نوشته بودند. آه و ناله زیادی از وحشیگری ترکمانها و شارلاتانی مازندرانی و قتل رشیدسلطان و سردار ارشد را نوشته، برای شعاع السلطنه یخ خواسته بود. رضاخان مذکور به توسط اعتصام الممالک پاکتی برای قونسول آورده جواب گرفته شبانه مراجعت به گموش تپه نمود. مشروطه‌ها خیال بدسری را داشتند، تماماً با تفنگ در کوچه‌ها گردش می‌کردند. قونسول غلام خود را فرستاده به رؤسای محلات پیغام داده ابدأ شرارت و بدسری نکنید که مجازات خواهید شد. از شرارت مردم خیلی کاسته شد والا خیالات بلندی در انهدام دولتیان داشتند. تاچه شود.

### در باب شاهرود

سالار اشرف حاکم شاهرود اهل و عیال خود را گرفته فراراً به استرآباد آمده فوراً در قونسلخانه رفته متحصن شد. بعد پسر حاجی سیدطاهر مجتهد با جمعی از اسادات مفیدی و تجار میدان به قونسولگری رفتند.

### درباب اردو

شب شانزدهم سپتمبر سالار معزز از اردو مراجعت کرده در قونسلخانه پیاده شده، سرکرده‌ها که همراه محمدعلی میرزا بودند بعضی مراجعت کرده و برخی نیامدند. سالار اکرم دو عراده توپ و جزئی نخیره که در اردوی فیروزکوه داشتند برداشتند به اتفاق شوکت نظام به هزارجریب رفتند.

### درباب تلگراف

ایضاً وزیر جنگ تلگرافی به ساعدلشکر نموده به سبب آمدن محمد علی میرزا به استرآباد و رفتن به مازندران اقدامات لازمه در شکست نواب معظم داد. فراراً به گموش تپه مراجعت کرد. سردار محیی به اتفاق معین به حکومت استرآباد و مازندران خواهد آمد. لهذا در انتظام سرحدی و توجه ولایتی شخصاً مسؤول خواهند بود. کمافی السابق خدمات مرجوعه را مرعی بدارید. تاجه اقتضا کند.

### درباب محمدعلی میرزا

ایضاً خبر رسید دو نفر سوار از گموش تپه به سمت ایلات ترکمان روانه داشته اردوئی منعقد نماید. شعاع السلطنه مریض [است] و سه نفر از سرکرده‌های مازندران به گموش تپه رفته‌اند. گاهی محمدعلی میرزا در خوجه نفس یا در شمالی گموش تپه شکار می‌رود. تا چه اقتضا کند.

### درباب قلیچ ایشان

اهالی رامیان قلیچ ایشان قاضی گوکلان را با پنج نفر ترکمان گرفتند. علی اکبرخان پسر ایلخانی فرار کرده خود را به قونسلخانه انداخت. عده متحصنین قونسلخانه بیست نفر می‌باشند.

## نمبر ۱۴۸۵

۲۸ سپتمبر

### درباب سرحددار

مراجعت محمدعلی میرزا از راه دریا، معاضدالملک چند نفر آدم همراه برداشته به دریا رفته بود که محمدعلی میرزا را دستگیر کند و چند نفر ترکمان را لخت کرده بود. قونسول به حمایت محمدعلی میرزا بهاله جوئی کرده که اتباع ما را تفنگ زده است. چهار قزاق با غلام قونسول بندرجز رفته سرحددار را مغلولاً به شهر آورده، به امر قونسول او را لخت، یک شب در طویله حبس می‌نماید. بعد او را به کارگزاری فرستاده توقیف باشد

تا استنطاق نمایند. تاچه شود.

### درباب سردار محیی

بیست و یکم سپتمبر از ساری به ساعدلشکر تلگراف نموده همین دو روزه به سمت استرآباد حرکت می‌نمایم. ساعدلشکر به این سبب جمعی از تجار را احضار کرده مذاکره برای جلوگیری محمدعلی میرزا می‌کند. مردم اطاعت نکرده، بعد قونسلخانه رفته اشخاصی که از طرف دولت متحصن شده بودند با هم دست اتحاد داده جلوگیری از محمدعلی میرزا نمایند. متحصنین به گفته ایشان رفتار نکرده مایوس شدند. از يك طرف خبرهای وحشت‌آمیز که روسها و دولتیان منتشر کرده بودند تمام اهالی متوحش و تزلزل سخت افتاده اکثراً اجناس و لوازمات زندگانی را از ترس ترکمانها و غضب محمدعلی میرزا پنهان کرده خبرهای پولتیکی انتشار یافته برای محمدعلی میرزا دو عراده توپ، چهارصد تیر و شش هزار تفنگ پنج‌تیره و دو میلیون فشنگ وارد به گموش‌تپه شده است. تاچه شود.

### درباب روسها

کاموس روس با پنجاه سوار چکت به گموش‌تپه آمده دو سه نفر تراکمه جعفربائی که مشروطه‌خواه بودند مغلولاً خدمت محمدعلی میرزا برده، بعضی هم فرار کردند. چند نفر قفقازی گموش‌تپه می‌رفتند پنج نفر آنها را گرفته به شهر آورده در قونسلخانه حبس کردند.

### به حمایت آمده‌اند

ساعدلشکر با تجار در قونسلخانه رفته اظهار داشتند سوار چکت قانوناً حق ندارد با محمدعلی میرزا همراهی نماید. قونسول جواب داده چون قضات اهل تسنن فتوی داده‌اند حمایت پادشاه اسلام واجب است، اهالی تکه تعصب ورزیده.

### درباب اغتشاش

حاج شیخ حسین رئیس کرده‌جمله با جمعی خدمت محمدعلی میرزا رفته بود. قرار دادند برای جلوگیری سردار محیی در خاک اتران يك‌عده پیاده قراول باشند. توی راه هرکسی را لخت کرده، پست بندر را گرفته به گموش‌تپه بردند، تاچه شود.

### درباب انعقاد اردو

بیست و چهارم ماه مذکور به ریاست حاجب‌الدوله اردوی دولتی در شاه‌تپه بین خاک انابائی و جعفربائی سه‌فرسخی شمالی منعقد شد و متدرجاً سوار از ایلات به اردو بروند.

### درباب فرار

شب بیست و ششم سپتمبر ساعدلشکر و پسرهای حاجی موقرالملك اجناس خانه خود را خارج کرده فراراً به سمت شاهرود به خراسان رفتند.

### درباب امنیت

قونسول صبح بیست و ششم غلام خود را در بازار فرستاده اهالی را امنیت داده و اهمه نداشته باشید.

### درباب اتحاد

ایضاً مشروطه‌ها با اشخاص متحصنین در منزل سالار اشرف برای غرض شخصی خود اتحاد کرده با قرآن مجید قسم خوردند ضدیت نکنند. خوانین و علما و تجار به قرب پاترده نفر روز ۲۷ سپتمبر به گموش تپه رفتند. تا چه شود.

### درباب تلگرافخانه

ایضاً نوید الممالک رئیس تلگراف با اجزاء خود و دفتر تلگراف در تلگرافخانه روس متحصن گردیده، لاکن سیم راه کنول و راه بندرجز را بریده‌اند. تلگرافخانه هم بسته است. تا چه شود.

نمره ۱۴۹

۲۶ اکتبر ۱۹۱۱

### درباب حکومت

اشخاصی که در انجلی خدمت محمدعلی میرزا رفته بودند انتظام الدوله را به حکومت روانه داشته، بیست و هشتم سپتمبر نایب قونسول روس با چند نفر قزاق استقبال رفته، عکاس روس توی دروازه هیأت حکومتی را عکس برداشته وارد به دیوانخانه شدند.

### درباب تحصن

مشروطه‌ها بر حسب ظاهر با دولتیان اتحاد کرده بعد از ورود انتظام الدوله عموماً در قونسلاخانه رفتند. دویم اکتبر حاجب الدوله با دوست سوار ترکمان وارد شده، دوازده هزار تومان از مشروطه‌ها برای مخارج اردو پول خواسته تا علاج چهار هزار تومان در قونسلاخانه پول درست کرده به توسط قزاق روس برای محمدعلی میرزا فرستادند.



### درباب قلیچ ایشان

ایضاً اهالی رامیان نه نفر همراهان قلیچ ایشان را به قتل رسانیده او را مرخص کردند. قلیچ ایشان به خیال تقاص با هشتصد سوار چکت گاهی در شهر خبرهای وحشت آمیز [گفته]، گاهی در صحرا تراکمه را محرك [گشته]. اهالی شهر تماماً از ترس اجناس و لوازمات زندگانی را پنهان [کرده]، اکثر به خیال تبعیت روس افتاده شهر و اطراف هم از شدت تاخت و تاز تراکمه محصور بین راه عبور و مرور مردم [گردیده]، آنچه داشتند غارت [گشت]. يك طرف قونسول روس به مردم امنیت می دهد، يك طرف بیچاره رعیت لخت و عریان با زخم کارد به قونسول عارض شده، عکس آنها را گرفته بیرون می کند. صد رأس گاو متجاوز تراکمه [را] توی دیوانخانه سربریده و به صحرا بردند که تمام مردم به هیجان آمده انتظام الدوله از ترس خود سوارهای یموت را تماماً مرخص کرده به اردو رفتند. چند پرگاله دهات شمالی آنچه شلتوک داشتند ترکمانها به قرب شش هزار تومان به غارت بردند. به سبب نرسیدن جیره موجب به سوارهای یموت، قلیچ ایشان تعرضاً با سوار گوکلان رفتند.

### درباب چپاول زنگی محله

هفتم ماه اکتبر سوارهای جعفربائی از قریه زنگی محله شلتوک می بردند. چند نفر دهاتی برای آنها تیر خالی کرده، يك اسب سقط شد. يك مرتبه هزار و پانصد سوار زبده از تمام ایلات به قریه مذکور هجوم آورده يك نفر را به قتل رسانیده به قرب سی هزار تومان زندگانی رعیت را با نه نفر زن بردند. چهار نفر را بین راه مسترد [کرده]، پنج نفر را خدمت محمدعلی میرزا برده، توسط سوارهای رشیدسلطان فوراً به شهر فرستادند. اوغان قاضی و حسین خان ترکمان اردو را برهم زده متفرق ساختند. قریه اجابن و قریه محمدآباد و کریم آباد و جعفرآباد و کماسی و فوجرد تماماً اجناس و اهل و عیال خود را به شهر آوردند. کموسر فوراً به شهر آمده اظهار داشت توی شهر ترکمان خواهد آمد. تجار و چند نفر علما که متحصن بودند از قونسول امنیت و باشبرد ۲۲۰ خواستند. قونسول جواب داده از بلوک و بلد تماماً جمع بشوید. تجار هم تمام املاک خود را در قونسلخانه گرو بگذارند و عریضه ای برای امنیت بخواهند. من از امپراطور سوار برای شمامی خواهم که شهر و اطراف دهات را محافظت نمایند. بعضی از علما بهین امر راضی، تجار جواب دادند که اختیار بلوک و بلد باماها نیست. قونسول تغییر کرده ایشان را بیرون کردند. انتظام الدوله از ترس خود را به قونسلخانه اداخت. مشروطه ها در مدرسه جمع شدند. قرار شد جلوگیری از محمدعلی میرزا نمایند. چهاردهم ماه اکتبر به ریاست حاج محمد شفیع مشروطه خواه يك عراده توپ دهن پر روی بدنه برده با کمال مواظبت شب و روز اطراف را با تفنگ توجه دارند. می گویند ترکمان را توی شهر راه نمی دهیم.



### درباب محمدعلی میرزا

از قرار مذکور سالارالدوله شکست خورده است. محمدعلی میرزا واهمه کرده اقامت خود را تغییر داده به خوجه نفس منزل نمودند. استرآباد تاکنون محصور [است]. به قرب بیست هزار تومان زراعت کرمی در بیرون شهر آنچه را که ترکمان منهدم کرده باقی را هم از ترس کسی نمی رود بردارد. تا چه شود.

### درباب سالاراکرم

آقا رمضانعلی به قریه کفشگیری رفته به اتفاق سالار مذکور شانزدهم اکتبر وارد شهر گردیده، عموماً رأی و قسم خورده سالاراکرم حاکم باشد و پیاده خبر نمایند از محمدعلی میرزا جلوگیری نمایند. تاچه اقتضا کند.

## نمره ۱۵۵

### ۱۳ نوامبر

#### درباب عمیدالسلطان و جنگ در بندر

بعد از ورود سالاراکرم هزارجریبی تماماً قسم یاد کرده، سالاراکرم، سالاراشرف، سالارمغرز با امیر عشایر و سایرین عریضه به سردار محیی نوشته بیست و هفت نفر مهر کرده فرستادند که معجلاً به استرآباد حرکت نموده، عمیدالسلطان برادر مشارالیه حاکم شاهرود را حاجی رحیم با دونفر دیگر استقبال کرده با سالار منصور و چهل نفر مجاهد و سی نفر سوارکوداری و یک عراده توپ کوهستانی که از شوکت نظام با دوازده هزار تومان پول گرفته بودند و او را به سمت طهران روانه داشته، بعد به استرآباد ورود نموده، مشروطه ها پذیرائی فوق العاده از ایشان کرده شبها روی بدنه به اتفاق مجاهد قراولسی می کشیدند. سردار محیی وارد اشرف می شود. قهارخان انزلی ملقب به سالار اشجع با پیاده برای خود تردیکی بندر سنگری بسته، یک طرف هم آرامنه و تجار بندر جز سردار محیی را دعوت کرده بزودی بیائید، سی هزار تومان وجه برای مخارج قشون نقد داریم. سردار محیی وارد به گلوگاه [شد]، صد و پنجاه مجاهد بایک عراده توپ بندر فرستاده مشرقی بندر جز اردو منعقد شد. حین ورود اردو قهارخان ایشان را محاصره نموده تراع سختی شد. پیاده ترکمان بالتکا رسیده و سواره از کناره دریا رفته، صد نفر از این سوارها مقتول و پنجاه نفر در بانک (?) بندر جز رفتند. سردار محیی از گلوگاه حرکت وارد بندر می شود. شکست اول سه ساعت به صبح اردو را تفنگ زیادی زده صبح تا عصری جنگ سخت بوده. شب دویم ایضاً دومرتبه قهارخان با تراکمه یورش به اردو آورده روز مذکور تا عصری جنگ [شد]، مبالغی از اردوی سردار محیی مقتول [گردیدند]. روز سیم سردار محیی با سی نفر فرار [کرد]، سیصد و پنجاه پیاده سرباز پناه به آرامنه [برده]،

دو هزار و پانصد سوار و پیاده ترکمان و انزانی و کردمجله اردو را محاصره [و] آرامنه بندرجز چندتیر تفنگ خالی کرده، بندر را هم چاپیدند. تمام لوازمات اردو را جمع کرده با چند عراده توپ و هشتاد بار قورخانه و یک کرور متجاوز اموال آرامنه بندرجز را گرفته حمل لتکا و قاطرهای شاهی و اسب و مادیانهای خوب بهخوجهنفس آوردند.

### درباب فرار مشروطهها

شب سیام اکتبر عمیدالسلطان با اجزاء خود بهاتفاق نویدالممالک رئیس تلگراف سه ساعت از شب بهشاهرود رفتند.

### درباب اردوی تراکمه

حسبالامر محمدعلی میرزا اردوی تراکمه در اقسین تپه منعقد شد. خبرهای وحشت انگیز قونسول ایشان را امر کرده در یکهمازو ردو بیندازند. شب دویم نوامبر مشروطهها باسه نفر علما؛ شیخ حمزه و شیخ علی اکبر و شیخ غلامحسین با الواط و غیره بهقرب سیصد نفر بهسمت شاهرود فرار کردند.

### درباب بندرجز

بعد از ختم جنگ ششصدنفر عده مقتولین و ده نفر ترکمان جعفربائی مقتول، پنج نفر از استرابادی، سیصد و پنجاه نفر دستگیر، تماماً را خدمت محمدعلی میرزا برده، لوازمات اردوی سردار محیی را با هفتصد و سی قبضه تفنگ سه تیره و قورخانه و غیره با قاطرهای دولتی تماماً تسلیم محمدعلی میرزا نمودند. باقی اموال و اسبهای مقتولین و غیره غنیمت سوار یموت گردید. عجالتاً اردو در خوجهنفس است. تا چه اقتضا کند.

### درباب وحشت اهالی

اولاً بهدستورالعمل قونسول شیخ عبدالرزاق، شیخ حسن، شیخ محمدباقر و امام جمعه و پسر حاجی سیدطاهر با چندنفر از تجار عریضه بهامپراطور روس دادند، بهسبب تاخت و تاز تراکمه اهالی استراباد را امنیت بدهند. اهل شهر از ترس تمام دکانهارا خالی کرده هریک اسباب زندگانی و اهل و عیال خود را در نزدیکی قونسلخانه برده مبادا ترکمان ایشان را اسیر کند. صبح دویم نوامبر قونسول به مردم پولنیک زده، گفت پادشاه خود را استقبال نمائید. تماماً مشعوف شده، هزار جمعیت بیرون دروازه رفته، قونسول با سه چهار سر کرده یکهمازو رفتند. وارد بهاردو تراکمه را محرك و خود فوراً برگشت، با سر کردهها اسب تاخت کرده فریاد کردند مردم فرار نمائید ترکمان می خواهد شماها را بچاپد. غوغای غریبی در شهر بلندشد. تماماً بهسمت قونسلخانه رفتند، ترکمانها وارد دروازه [شده] بعد اطراف شهر را محاصره [کرده] تا عصری فقیر و گدای بی ادیت، هیمه کش، زغال فروش پشت کوهی آنچه بودند چهل وهفت نفر مقتول و سی و

پنج نفر اسیر، اسب و الاغ و گاو و بارهای شانوک، چند عدد خرمن، يك بلوك گوسفند و يك بلوك گاو از قلعه حسن، يك بلوك گوسفند و يك بلوك گاو اوزینه به قرب بیست و پنج هزار تومان دو روزه خسارت وارد شد. اردوی تراکمه متفرق تا دو روز هم مقتولین در بیرون شهر بود، کسی جرأت رفتن از دروازه شهر نداشت.

### درباب میرشکار

پنجم نوامبر مشارالیه آمده، کاغذی محمدعلی میرزا نوشته بود، چهار نفر سرکرده‌ها اطمینان از اهالی شهر گرفته در اقسین تپه آمده حکومت برای استرآباد معین می‌کنیم. صبح ششم محمدعلی میرزا در اقسین [تپه] به‌خانه نفس‌سردار آمده، سرکرده‌ها با دوقزاق روس خدمت شاه رسیده تغییر زیادی به آنها [و] يك ساعت امر به حبس کرده. قونسول عصری وارد نیم‌ساعت محرمانه با هم صحبت کرده. محمدعلی میرزا با سرکرده‌ها به خوجه نفس رفتند. هفتم ماه مذکور سالار اشرف مراجعت کرده، يك عراده توپ کوهستانی را حمل به اردو [کرده] روز هشتم سالاراکرم ملقب به امیراکرم و به حکومت استرآباد وارد [شد]. انتظام‌الدوله را به حکومت مازندران فرستادند. قرار شد سرکرده‌ها به‌عنوان جریمه سی هزار تومان از دهات مشروطه‌ها و ساعدلشکر دریافت نمایند، تا چه شود. سه دستگاه تلگراف را از تلگرافخانه برداشتند. رئیس پست و ناظر فراراً به طهران رفتند. بین محمدعلی میرزا و شعاع‌السلطنه برای همین حرکات ترکمانها دلتنگی می‌باشد. رسیدگی امورات تماماً به‌عهده محمدعلی میرزا و حاجب‌الدوله قهرمان خان است.

### درباب قتل

ایضاً محمدابراهیم مطرب که جنون دارد با خواهرش نزاع نموده تفنگ می‌زند. به‌فاصله سه ساعت مشارالیه فوت شد.

### درباب قتل ارمنی

دهم ماه نوامبر خبر رسید محمدعلی میرزا يك نفر ارمنی مجاهد را در اردو به‌دار کشیدند.

## نمره ۱۵۱

سلخ نوامبر ۱۹۱۱

### درباب محمدعلی خان اترانی

سال قبل نوکنده در اجاره محمدعلی خان اترانی بود. هفتصدتومان بقیه مالیات نزد مشارالیه مانده بود. حسب‌الامر او را در خوجه نفس محبوس نموده پسر محمدعلی خان

همراه سردار محیی به جنگ آمده بود. محمدعلی میرزا غضب نموده دوهزار تومان دویست ۲۲۱ از او جریمه گرفتند.

### درباب شاهرود

مشروطه‌ها از استرآباد فراراً به شاهرود رفته بودند، اسباب‌چینی کرده در میقان چند خانه را غارت نموده دونفر زن مقتول، سه نفر مرد مجروح شدند. حسب الامر سالار معزز از کتول پیاده به شاهرود روانه کرده، امیراکرم از دهات سدن رستاق سیصدنفر ایلجاری برای مرتکبین فرستاده. مشروطه‌ها جمعی به خراسان فرار نمودند. نویدالممالک بارمضانعلی و حیدرقلی‌خان به اتفاق عمیدالسلطان و چندنفر مجاهد به طهران رفتند.

### درباب حکومت

حسب الامر محمدعلی میرزا اقتصارالسلطنه از راه کتول دایر به حکومت شاهرود و دامغان رفتند. در ضمن هم تهیه سیصدسوار ترکمان را دیده به شاهرود روانه نمایند.

### درباب میرشکار

حسب الامر برای توقیف املاک مشروطه‌ها میرشکار مأمور گردیده دهات مشروطه‌ها و سایر اربابان را ضبط [کنند]. هزار گوسفند حاجی زکریا را با چوپانها از زیارت خاسته رود آورده [به] خوجه نفس بردند. هشتصد تومان از کسان حاجی گرفته گوسفند را مسترد نمایند. دیناری از پول و دانه‌ای از گوسفند را ندادند.

### درباب خالصجات

حسب الامر چند نفر مأمور برای ضبط دهات خالصه رفته، شلتوک را فروخته پول برای مخارج اردو روانه می‌نمایند. سیصدنفر سرباز و پنجاه نفر توپچی و غیره در خوجه نفس اردو دارند و یومیه بیست و پنج رأس گوسفند به ایشان جیره داده، سیصدتومان به سربازها مرحمت فرمودند.

### درباب لقب

میرزاهادی‌خان سررشته‌دار به منصب لشکرنویسی نایل، میرزا یوسف مستوفی به ریاست مالیه استرآباد مرجوع، مهدی‌خان پسر میرزا جعفر منشی به ریاست توپخانه استرآباد برقرار، آقا محمود کلاتر ملقب به بیگلریگی مفوض گردیدند.

### درباب ساعدالسلطنه

شیخ محمدباقر خدمت محمدعلی میرزا توسط ساعدالسلطنه را نموده حسب الامر

سه هزار تومان از املاك مشارالیه جریمه گرفته بخشیدند. بیست و دویم نوامبر از خراسان مراجعت کرده وارد به میان آباد ملك شدند. تا چه اقتضا کند.

### درباب دیوانخانه

استاد موسی ملقب [به] معمارباشی مأمور است يك ماهه دیوانخانه را تعمیر نماید. بنا و نجار همه روزه مشغولند به صوابدید قونسول روس.

### درباب قفقازی

بیست و هفتم نوامبر خبر رسید بیست و پنج نفر قفقازی وارد خوجه نفس گردیده با کمال دلگرمی خدمتگزار [ی می کنند]، سیصد نفر دیگر هم می آیند.

### درباب مخارج اردو

حسب الامر قرار بود سالار معزز ملقب به امیرامجد از بابت خالصه جات كتول ده روزه پنج هزار تومان پول به اردو بفرستد. موعده سرآمده تا علاج سند به قونسول داده، سه هزار و پانصد تومان ده روزه قرض کرده به خوجه نفس فرستادند. همه روزه سوار تر کمان برای فرمایشات محمدعلی میرزا خوجه نفس رفته برای جانفشانی و قتل و غارت اطاعت [می] ورزند.

### درباب سالداد روس

سلخ ماه نوامبر دویست و پنجاه نفر سالداد وارد شهر گردیده در باغ عباس خان منزل نمودند.

## نمره ۱۵۲

۲۳ دسمبر ۱۹۱۱

### درباب ورود لژگیا

هفتم ماه دسمبر خبر رسید دویست و پنجاه نفر لژگی تبعه روس [به] خوجه نفس وارد [شدند]. تمام ایشان را تفنگ سه تیره و شام [و] ناهار... ۲۲۲ می دهند.

### درباب مازندران

به سبب بی کفایتی انتظام الدوله محمدعلی میرزا او را معزول، حبیب الله خان اشجع الملك را حاکم ساری نمودند. اسمعیل خان امیرتومان با امیرمکرم و غیره که مغضوب

می‌باشند در بارفروش ساکنند.

### درباب زاغ مرز

حسب الامر محمدعلی میرزا اعظام‌الملک\* با چهل نفر ترکمان به زاغ مرز رفتند يك نفر مباشر هژبرخاقان را مقتول نموده و مالیات آنجا را دریافت نموده به خوجه نفس فرستادند.

### درباب خسارت روسها

زمانی که سردار محیی وارد بندر جز شد به اگنط روس نوشته داده هر آینه خسارتی به اتباع روس وارد شود از عهده خسارت آنها برآیند. قونسول يك کرور متجاوز از محمدعلی میرزا مطالبه خسارت کرده. جواب دادند خسارت به عهده سردار محیی می‌باشد. لکن چندی است طایفه خوجه نفس و گموش تپه شنیده‌اند محمدعلی میرزا خاسته رود گرگان را واگذار به روس نموده از این مطلب بی‌اندازه رنجش نموده‌اند.

### درباب قتل ساری

ایضاً سوارهای افغان قراتپه برای گرفتن مشروطه‌های مازندران مأمور گردیده، نصف شب وارد ساری [شده]، سه نفر را به قتل رسانیده به قرب هشتاد نفر فرار کردند.

### درباب فندرسک

مدتی اهالی رامیان با علی اکبرخان امیرعشایر طرف بوده آخر الامر تسلیم گردیده، به اتفاق عباسقلی خان سرتیپ قزاق مشغول گرفتن مالیات فندرسک و کهسار و رامیان می‌باشند.

### درباب روسها

قونسول خویش نموده به سبب وسعت دیوانخانه دویست و بیست نفر سالداد، سی نفر توپچی، سه عراده توپ مسلسل [در] دیوانخانه منزل نمودند.

### درباب شاهرود

حسب الامر محمدعلی میرزا... ۲۲۲ السلطان ملقب به سرداراکرم به اتفاق آقاصادق پسر حاجی سیدطاهر و سیصد نفر ایلجاری از راه کتول به شاهرود رفته. قلی خان کتولی هم با صد نفر کتول در شاهرود مشغول گرفتن مالیات و اخذ وجه از مشروطه‌ها می‌باشد ۲۲۳. انتصار السلطنه وارد دامغان شده مشغول حکومت می‌باشد.

\* - قبل و بعد «اعظام‌الملک» نوشته.

۲۲۳ - يك کلمه ناخوانا.

۲۲۴ - اصل: نمایند.

### درباب مازندران و سالار مکرّم

پانزدهم ماه دسمبر سوارهای افغان به اتفاق مرادخان ایلیخی بان به خوجه نفس رفته سان دادند. حسب الامر افغانها مأمور گردیده هفتاد و پنج هزار تومان عایدی املاک سالار مکرّم را از مازندران دریافت نموده بیاورند.

### درباب توقیف پستخانه

سه هفته است پست استرآباد توقیف شده. تلگراف راه بندر را تعمیر کرده خیال دارند از بندر جز به خوجه نفس سیم کشیده يك دستگاه تلگراف را به شهر فرستاده به شاهرود و دامغان مخابره به استرآباد می شود.

### درباب لقب افتخاری

محمدباقرخان امیراکرم - پسرش سالاراکرم - حبیب الله خان برادرش ضرغام - الملك - میرزا هادی خان لشکر نویس معاون لشکر - مستوفی معاون دفتر - شکر الله خان کارگزاری منظم الوزاره - مهدی خان پسر اعتصام ناظم الوزاره - حسینقلی خان برادر دیگر منظم الوزاره ۲۲۵ - آقاخان کتولی امیرامجد - علی اکبرخان فندرسکی امیر عشایر - مهدی خان ملک ساعد السلطنه.

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



مخابرات استرآباد

۱۹۱۲

۱۱ محرم ۱۳۳۵ - ۲۱ محرم ۱۳۳۱



## نمره ۱۵۳

۲۱ جنواری ۱۹۱۲

### درباب قتل

شب ۲۶ دسمبر ترکمان ایلیغی به سرخونکلاته سرقت رفتہ یک نفر مقتول و یک نفر مجروح شد.

### درباب شاهرود

ایضاً سیصد نفر پیاده تفنگچی از کتول و غیره به کمک شاهرود و دامغان فرستاده رفتند.

### درباب مازندران

ایضاً خبر رسید اسمعیل خان امیرتومان مالیات مازندران را جمع نموده بی طرفانه در بارفروش ساکنند.

### درباب لرگیها

دویم ماه جنواری ۱۹۱۲ خبر رسید چهارصد نفر مجاهد به سوادکوه آمده با سردار محیی عازم ساری هستند. چون هفتصد نفر لرگی و قفقازی که در روسیه مشغول کیسه‌بری [بوده] و به خوجه نفس آمده، ماهی چهل منات مواجب می‌گیرند، دویمت نفر آنها با صد نفر ترکمان به ریاست عظام‌الملک از راه دریا به مازندران رفتند. تا چه اقتضا کند.

### درباب دامغان

تلگراف از استرآباد به دامغان و شاهرود حرف می‌زند. خبر رسید به توسط تلگرافچی دامغان پانصد نفر مجاهد غفلة وارد شهر گردیده آقا صادق پسر حاج سیدطاهر را مقتول [ساخته] به قرب دویمت نفر را دستگیر نمودند. حسب الامر محمدعلی میرزا سرکرده‌ها به خوجه نفس رفتہ مشورت نمودند، برای انعقاد اردو، تماماً سرخجالت به زیر انداخته جواب

ندادند. هر يك بهانه‌جویی کرده برگشتند.

### درباب سوار شاهرود

هشتم ماه مذکور شجاع‌السلطنه به‌شهر آمده دو‌یست‌نفر پیاده ایلجاری به‌شاهرود فرستاده. دو فرسخی مشرقی تماماً فرار کردند. ایضاً پنجاه نفر ترکمان را از راه کتول فرستادند. خبر ورود مجاهدین به‌شاهرود فرستاده، ترکمانها مراجعت نمودند. طهماس قلی‌خان کیانی با هادی‌خان فندرسکی مشروطه‌خواه بوده باقلی‌خان کتولی چهار فرسخی شاهرود جلوگیری از مجاهدین و تراعی می‌نمایند. مجاهدین تمام آنها را دستگیر نموده انتصارالسلطنه حاکم دامغان با سردار معظم فراراً به‌استرآباد آمده به‌خوجه‌نفس رفتند.

### درباب انعقاد اردو

تفنگ پنج‌تیره روس و برزنگه برای محمدعلی‌میرزا وارد شد. تمام لزگیها را تفنگ و فشنگ داده، صدنفر را به‌شهر فرستادند. قاصد به‌گوکلان فرستاده قلیچ‌ایشان با سواریموت آمده انعقاد اردو نمایند. هشت‌هزار تومانی برای مخارج اردو از خوانین استرآباد خواسته تماماً جواب نمودند.

### درباب روسها

ایوانف قونسول روس تجار و پیرمردان شهر را احضار و قدغن سخت کرده عنوانی از مشروطه نکنند و چهار دروازه شهر را سالداد گذارده از طرف انجمن کسی وارد نشود و اهالی شهر و غیره تفنگ به‌دست نگیرند. محافظت شهر و گردش شبها با سالداد روس است.

### درباب تراکمه جعفربائی

به‌سبب آمدن لزگیها به‌خوجه‌نفس عموم ترکمانهای جعفربائی از محمدعلی‌میرزا رنجش نموده. هرآینه از طرف ملت قشون وارد به‌استرآباد شود تراکمه استقامت دارند. والا يك نفر برای رفتن به‌شاهرود و دامغان حاضر نخواهد شد.

### درباب امیرعشایر

اهالی رامیان خبر ورود مجاهدین را شنیده مجدداً کوس یاغی‌گری را زده دیناری مالیات نداده. امیرعشایر هم با يك سوار نوزدهم ماه جنواری وارد [شده]. از قرار مذکور امر شده توپ با سوار یموت برای مجازات به‌رامیان بفرستند.

## نمره ۱۵۴

۳ ماه فرواری ۱۹۱۲

### درباب سوار یموت

۲۳ ماه جنواری افغان قاضی حسب الامر محمد علی میرزا در ایلات یموت رفته تهیه سوار در گنبد قابوس نموده برای رامیان حرکت نماید.

### درباب حرکت سوار

۲۶ ماه مذکور شعاع السلطنه وارد شده. امیر عشایر را با سیصد قفقازی و لزگی به سمت رامیان حرکت داده. لاکن کموس روس قبل از وقت با پنجاه نفر چکت به رامیان رفته اصلاح نموده است. تا چه اقتضا کند.

### درباب اخذ وجه

ده هزار تومان ۲۲۶ به عنوان قرض از سادات عقیلی ساکن کردم حله گرفته اند. ده هزار تومان از طایفه یموت اخذ شده. پنج هزار تومان خوانین و سرکرده ها داده، سه هزار تومان هم از سه نفر تجار مشروطه خواه گرفته اند. اشخاصی که سابق مشروطه بوده و حالیه خود را دولتی می دانند. برای دیگری کار درست کرده، بقدر قوه از او پول می گیرند. چندی است حاجب الدوله لزگیها را به خانه حاج شیخ حسین فرستاده بی احترامی و فضاحت زیادی در آنجا نمودند. عاقبت الامر حاجی سید طاهر توسط کرده مأمورین رفتند. به همین منوال اشخاصی که فرار کردند لزگیها را به خانه ایشان فرستاده اهل و عیال آنها مجبوراً با مقداری وجه نقد، مأمورین را حرکت می دهند. به سبب رفتن لزگیها به خانه حاج شیخ حسین، عیال مشارالیه بچه سقط\* کرده. برای ورود لزگیها به شهر به امر حکومت و حاجب الدوله کدخدایان و فراشان از عموم اهل بلد چراغ و رختخواب و فروش گرفته مالهای ایلجاری [را] که از دهات می آورند در هوای زمستان لخت و گرسنه [نگاه داشته] صاحبش هر آینه وجهی تعارف به گماشتگان حکومت داده مال خود را می برد. عوض دیگری را می گیرند. والا صاحب مال به ضرب شلاق فرار نموده، لزگیها زمان حرکت هر نقطه که مال از قوه افتاده، مال دیگری را گرفته می روند. اهالی بلد و بلوک از شدت صدمه و خسارات مالی و جانی قوه حرکت ندارند.

### درباب قتل حسین

سه نفر مشروطه خواه بایک نفر دامغانی را که قاصد و راپرتچی بود خدمت محمد علی میرزا برده حسین نام ساکن گذر شیرکش با یک نفر دامغانی [را] حضوراً به دار زدند.

۲۲۶ - اصل: دهمزار.

\* - اصل: صدق.

عبدالرسول برادر مقتول را با حاجی محمدصادق که استقبال سردار محیی رفته بود خوجه نفس محبوس [کرده] شش هزار تومان وجه مطالبه می‌نمایند. تا چه شود.

### درباب بارف روسی

مشارالیه چندی در حبس روسها بوده مرخص شده. خدمت محمدعلی میرزا آمده بدریاست سوارهای قفقازی و لزگیها مفتخر شد. در حضور شعاع السلطنه لزگیها را به کلام مجید قسم داده برای محمدعلی میرزا جانفشانی نمایند و حرکت بارف که پالکنیک می‌باشد از روی نقشه کوهستان استراباد است.

### درباب شاهرود

از قراری که خبر رسید يك عده سوار شاهرود وارد شده در تاش، و قزلق چهار فرسخی استراباد قراول فرستاده، برای رسیدن این خبر دویم ماه فرواری محمدعلی میرزا با بقیه سوارهای قفقازی وارد شهر گردیده در کلاه فرنگی منزل نموده فوراً به حمام رفت. روز سیم ماه مذکور سالار اشرف را بایک عده سوار بهرامیان فرستاده مشغول گرفتن اردو بازار و ترتیبات حرکت اردو می‌باشند. تا چه شود.

## نمره اول

### تاریخ هیجدهم فرواری ۱۹۱۴

#### درباب حرکت اردو

حسب الامر محمدعلی میرزا پنجم ماه فرواری به سرداری امیر عشایر و ساعد السلطنه و امیر امجد و سالار اشرف و صدنفر قفقازی پیش قراول اردو حرکت کرده به کتول رفتند. به قرب دوهزار سواریموت در جنوبی گنبد قابوس اردو انداخته. دهم ماه مذکور بارف با سیصد نفر لزگی و قفقازی از شهر حرکت کرده به اتفاق خوانین استرابادی و سوارهای یموتی در يك فرسخی رامیان اردو منعقد نمودند.

#### درباب پیشقدمی لزگیها

ایضاً خبر رسید از طرف مجاهدین چند نفر پیش قراول در قزلق آمده، بارف چهل نفر قفقازی و چند نفر سوار دامغانی را با محمدخان یوزباشی به قزلق فرستاده، نصف شب يك نفر ارمنی و يك نفر دامغانی پیش قراول را با اسلحه دستگیر کرده به شهر فرستادند. عده مزبور با يك عراده توپ مسلسل برای تاش حرکت نموده. مشروطه‌ها جای خالی کرده نصف شب سوارهای قفقازی را محاصره [کرده] و تفنگ زیادی می‌زنند. صبح زود طرفین نزاع سختی کرده دوهزار نفر لزگی مقتول [می‌شود]، دوهزار تیر گرفته، يك نفر کربلائی عباس بیرق‌دار سوار کوداری مقتول [شده] مراجعت به استراباد نمودند. از

طرف مشروطه‌ها يك نفر ارمنی با سه چهار نفر مقتول شده، آنها به سمت شاهرود و بسطام سنگربندی نمودند. دو نفر مقتول لژگی [را] به شهر آورده، شخص زخمی هم فوت شد. مقتولین را در تابوت گذارده حمل بدروسید نمودند. برای این نزاع صدنفر متجاوز لژگیها فراراً به خوجه نفس رفته و می گفتند ما هارا به اسم قراولی محمدعلی میرزا آورده اند.

### درباب قتل

سوارهای قفقازی و لژگی که مأمور گرفتن مال بودند يك نفر ملازم سالار اشجع را در خرابه شهر مقتول [کرده] يك نفر رعیت مرز بانکلاته را توی شهر تیر زده مجروح است.

### درباب لژگیها

حقوق سوارهای قفقازی چند روزی تأخیر افتاده بر سر بارف شورش نمودند. محمدعلی میرزا بدقونسول شاکی شده صدنفر آنها را در قونساخانه هشت ساعت حبس کرده تسلیم شدند. حسب الامر محمدعلی میرزا نفری بیست تومان مواجب به آنها داده شد. به اتفاق بارف به رامیان رفتند. تا چه شود.

### درباب ایلخی مازندران

سه ماه است خوانین و مباشرین و کدخدایان محل همه روزه مأمور گرفتن مال ایلجاری و مکاری بوده، دو مقابل وجه از صاحبان مال اخذ نموده، چند رأس مال به شهر می فرستند. آخر الامر محمدعلی میرزا تلگرافی به سالار اشجع نموده هر قدر مال ممکن است از اتران و غیره گرفته بفرستید. صدنفر قفقازی هم مأمور گرفتن مال بوده. اولاً سه چهار هزار تومان سالار مزبور از توابع اتران اخذ کرده و مالها را رها نمودند. به اتفاق صد نفر قفقازی به سمت مازندران رفته، متجاوز از هزار مال ایلخی [را] که در کناره دریا تعلیف می کردند چپاول [کردند]. سیصد رأس از آن مالها را جلب منفعت کرده، بعضی را فروخته و مقدار شصت رأس برای خود نگاه داشته. هفتصد مال به شهر فرستاده شد. تماماً را داغ شاهی زده سوارهای لژگی سوار شده به اردو رفتند.

### درباب چپاول

سابقاً به عرض رسانیده که طایفه قرقچی با طایفه قجق خونی [بوده] و جدال دارند. در این موقع که اردو نزدیکی رامیان منعقد شده طایفه قرقچی بهانه جوئی کرده که طایفه قجق مشروطه خواه است. با اهالی رامیان همدست می باشند. صدنفر سوار، ششصد رأس گوسفند طایفه قجق را چپاول و چندنفر چوپان را به قتل رسانیده در اردو گوسفند را تقسیم می نمایند. طایفه قجق بعضی پناه به اردو برده و برخی کوچ نموده به رامیان ساکن شدند. تا چه شود.